

۶- آرایه‌های ذکرشده در کمانک روبه‌روی کدام بیت نادرست است؟

- | | |
|---|---|
| (۱) سر به هم آورده دیدم برگ‌های غنچه را | اجتماع دوستان یک‌دلم آمد به یاد (تشبیه، کنایه) |
| (۲) به جان قصت کند دشمن چو داری دوستی در دل | صدف مجروح از آن گردد که لؤلؤ در میان دارد (اسلوب‌معادله، ایهام) |
| (۳) سرّی است نهان در دل مردان ره عشق | کان را نتوان کرد عیان جز به سرّ دار (تضاد، تلمیح) |
| (۴) الا ای همنشین دل که یارانت برفت از یاد | مرا روزی مباد آن دم که بی یاد تو بنشینم (ایهام، واج‌آرایی) |

۶-

(علیرضا جعفری - شیراز)

اسلوب معادله: در این بیت، مصراع دوم در حکم مصداقی برای مصراع اول است: چون دوستی در دل داشته باشی، دشمن قصد جانت می‌کند، همان‌طور که صدف به علت داشتن مروارید مجروح می‌شود. بیت ایهام ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: اجتماع دوستان یک‌دل به برگ‌های سربه‌هم‌آورده‌ی غنچه تشبیه شده است. / «یک‌دل» کنایه از «صمیمی»
گزینه‌ی «۳»: «نهان و عیان» تضاد/ تلمیح: به داستان «حسین بن منصور حلاج» اشاره می‌کند.

گزینه‌ی «۴»: ایهام: «روزی» دو معنا دارد: ۱- یک روز ۲- قسمت و بهره / واج‌آرایی (نغمه‌ی حروف): مصوت «ا»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲✓

۱

۱۴- آرایه‌های «حس‌آمیزی، تلمیح، کنایه و جناس تام» به ترتیب، در کدام ابیات وجود دارد؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| (الف) گرچه صد بار غمت خاک مرا داد به باد | نیست بر خاطر من از تو غباری باری |
| (ب) چشمت به خواب چشم مرا خواب می‌برد | زلفت به تاب جان مرا تاب می‌برد |
| (ج) از سر یک دانه گندم در نمی‌آری گذشت | وز برای زهت دل باغ رضوان بایدت |
| (د) چنان بر صورت شیرین این دیوانه مفتونم | که در خاطر نمی‌گنجد خیال ملک پرویزم |

(۴) د، ب، الف، ج

(۳) د، ج، الف، ب

(۲) الف، د، ب، ج

(۱) الف، ج، ب، د

آکادمی نئوتوریتس

(گروه آموزشی دانشگاه تهرانی ها)



دانلود شده از سایت آکادمی

daneshgahtehraniha.com

کتاب و جزوه

تدریس

مناوره حضوری و غیر حضوری
تهران- میدان انقلاب- ابتدای خیابان آزادی
خیابان نوحلاخ پلاک ۲۲

۰۲۱۶۶۱۲۵۵۲۴

۰۲۱۸۸۶۸۳۹۱۵

بیت (د) حس آمیزی: صورت شیرین

بیت (ج) تلمیح: اشاره به داستان حضرت آدم و خوردن گندم و... دارد.

بیت (الف) کنایه: «به باد دادن» کنایه از «تابود کردن، از بین بردن»

بیت (ب) جناس تام: تاب (پیچ و شکن) و تاب (شکبایی، آرامش)

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۱۵- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«هر چند زمین‌گیر بود دانه‌ی امید / دست کرم ابر گهربار بلند است»

(۱) کنایه، تشبیه، مجاز، ایهام (۲) مجاز، استعاره، حسن تعلیل، کنایه

(۳) استعاره، تشبیه، جناس، تشخیص (۴) ایهام، تشخیص، حسن تعلیل، جناس

(سراسری ریاضی - ۹۳)

استعاره و تشخیص: زمین‌گیر بودن دانه‌ی امید و دست کرم ابر (استعاره) / تشبیه:

دانه‌ی امید / جناس: «دست» و «است»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۴- آرایه‌ی «تشبیه» در کدام بیت کم‌تر است؟

(۱) شراب وصلت اندر ده که جام هجر نوشیدم درخت دوستی بنشان که بیخ صبر برکندم

(۲) چون قامتم کمان صفت از غم خمیده دید چون تیر ناگهان ز کنارم بجست یار

(۳) کیوان آب‌صورت و برجیس شمع‌تاب بهرام مهرپیشه و خورشید روح‌سان

(۴) فرهادوارم از لب شیرین گزیر نیست ور کوه محنتم به مثل بیستون شود

۴-

(کلام کلامی)

در گزینه‌ی «۲»، دو تشبیه و در سایر گزینه‌ها سه تشبیه به کار رفته است.
«قامتم به کمان» و «یار به تیر» تشبیه شده است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «شراب وصل»، «جام هجر»، «درخت دوستی»: ۳ تشبیه
گزینه‌ی «۳»: «کیوان صورتی هم چون آب دارد»، «برجیس نوری چون شمع دارد»،
«خورشید مانند روح است»: ۳ تشبیه
گزینه‌ی «۴»: «فرهادوارم» (من مانند فرهاد)، «کوه محنت»، «کوه محنت مانند
بیستون»: ۳ تشبیه

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲✓

۱

۵- ترتیب توالی ابیات زیر از جهت داشتن آرایه‌های «اغراق، ایهام، اسلوب معادله، استعاره» کدام است؟

- | | |
|---|--------------------------------------|
| الف) حسن و عشق پاک را شرم و حیا در کار نیست | پیش مردم شمع در بر می‌کشد پروانه را |
| ب) چشمی به رهت دوخته‌ام باز که شاید | باز آبی و برهانی‌ام از چشم به راهی |
| ج) دورم از یار و نیارم سوی او رفتن که اشک | ساخت دریا گرد من فرسنگ در فرسنگ را |
| د) به لعل یار تا پیوست شد جان از فنا ایمن | چکیدن نیست آبی را که در دست گهر افتد |

۴) الف - د - ب - ج

۲) ج - الف - د - ب

۲) د - الف - ج - ب

۱) ج - ب - الف - د

۵-

(مریخ شمیرانی)

ج) نمی‌توانم نزد یار بروم، زیرا اشک فرسنگ‌ها اطراف ما را تبدیل به دریا کرده است:
اغراق / ب) «باز» در مصراع اول دو معنا دارد: ۱- گشاده، ۲- دوباره: ایهام / الف)
عشق پاک شرم و حیا نمی‌شناسد، همان‌طور که شمع در مقابل مردم پروانه را در
آغوش می‌کشد: اسلوب معادله / د) «لعل» استعاره از «لب»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲

۱✓

۱۴- در کدام گزینه، آرایه‌ی سجع کم‌تری به کار رفته است؟

- ۱) الهی، اگر عبدالله را خواهی گداخت، دوزخی باید پالایش او را و اگر خواهی نواخت بهشتی دیگر باید آسایش او را.
۲) الهی، اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است از دوستان است.
۳) خداوندا، گفتار تو راحت دل است و دیدار تو زندگی جان، زبان به یاد تو نازد و دل به مهر و جان عیان.
۴) الهی، تو دوختی، پوشیدم و آن چه در جام ریختی نوشیدم و هیچ نیامد از آن چه کوشیدم.

در گزینه‌ی «۲»، یک سجع وجود دارد: «بوستان و دوستان»

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: دو سجع دارد: «گداخت و نواخت»، «پالایش و آسایش»

گزینه‌ی «۳»: دو سجع دارد: «دل و جان»، «جان (اول) و عیان»

گزینه‌ی «۴»: سه سجع دارد: «دوختی، ریختی»، «پوشیدم و نوشیدم»، «نوشیدم و کوشیدم»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲✓

۱

۴- در کدام بیت همه‌ی آرایه‌های «تناقض، کنایه، تلمیح و تشبیه» وجود دارد؟

- | | |
|---|---|
| ۱) ز سوز سینه کبابم، ز سیل دیده خرابم | تو شمع بزم کسان و من در آتش و آبم |
| ۲) من که ره بردم به گنج حسن بی‌پایان دوست | صد گدای هم‌چو خود را بعد از این قارون کنم |
| ۳) لب چون آتشش آب حیات است | از آن آب، آتشی در ما گرفته است |
| ۴) هُش دار که گر زمزمه‌ی عقل کنی گوش | آدم صفت از روضه‌ی رضوان به درآیی |

۴-

(سیریمال طباطبایی نژاد)

گزینه‌ی «۳»: «لب چون آتش» تشبیه / «آب حیات»: تلمیح به آبی در ظلمات که

هر کس بنوشد عمر جاودان می‌یابد. / «ز آب آتش گرفتن» تناقض / «آتش در ما

گرفته» کنایه از «تأثیر عمیق گذاشته»

توجه: «لب چون آتش مانند آب حیات است» هم تشبیه دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «کباب شدن» کنایه از «رنج کشیدن» / «سیل دیده» و «تو شمع بزم

هستی» تشبیه / «در آتش و آب هستم» تناقض.

گزینه‌ی «۲»: فقط تناقض ندارد. (توجه: گدا و قارون تضاد دارند).

گزینه‌ی «۴»: به رانده شدن آدم از بهشت تلمیح دارد. / «آدم صفت» تشبیه دارد.

کنایه و تناقض ندارد.

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

۴

۳✓

۲

۱

۵- ترتیب توالی ابیات زیر به دلیل داشتن آرایه‌های «ایهام- جناس- حسن تعلیل- پارادوکس» کدام است؟

- | | |
|---|---|
| الف) ای دل آن دم که خراب از می گلگون باشی | بی زر و گنج به صد حشمت قارون باشی |
| ب) اگر صد بار برخیزد همان بر خاک بنشیند | به بال دیگران هر کس بود چون تیر، پروازش |
| ج) بر سر تربت من با می و مطرب بنشین | تا به بوییت ز لحد رقص کنان برخیزم |
| د) در این زمین چو تو، خورشید طلعتی بوده است | و گرنه ماه به دور زمین نمی‌گردید |
- (۱) ج، د، ب، الف (۲) ج، ب، د، الف (۳) الف، ج، د، ب (۴) الف، د، ج، ب

۵-

(سیریمال طباطبایی نژاد)

بیت الف) پارادوکس: بی زر و گنج به حشمت قارون رسیدن
بیت ب) جناس: بار، بال (جناس ناقص اختلافی)
بیت ج) ایهام: «بو» ۱- رایحه و بوی خوش ۲- آرزو و امید (هر دو معنی در بیت پذیرفتنی است).

بیت د) حسن تعلیل: علت گردش ماه به دور زمین غیر واقعی بیان شده است.

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

۴

۳

۲✓

۱

۴- آرایه‌های مقابل همه‌ی گزینه‌ها به استثنای گزینه‌ی ... کاملاً درست است.

- | | |
|---|---|
| ۱) خروش سیل حوادث بلند می‌گوید | که خواب امن در این خاکدان نمی‌باشد (تشبیه- استعاره) |
| ۲) تا خراشیده نگردد نشود صاحب‌نام | دل رنگین سخنان هم‌چو عقیق یمن است (حسن آمیزی- ایهام) |
| ۳) رسم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار | گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرین آمد (اسلوب معادله- حسن تعلیل) |
| ۴) دهر سیه کاسه‌ای است، ما همه مهمان او | بی‌نمکی تعبیه است در نمک خوان او (پارادوکس- کنایه) |

بیت حسن تعلیل دارد. ابر به این دلیل باران بر چمنزار می‌ریزد چون بدعهدی روزگار را دیده است، ولی اسلوب معادله ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «سیل حوادث» (اضافه‌ی تشبیه‌ی) تشبیه / «سیل حوادث بلند می‌گوید» تشخیص و استعاره / «این خاکدان» استعاره از «دنیا» است.

گزینه‌ی «۲»: «رنگین سخنان» حس‌آمیزی / ایهام: «صاحب‌نام» دو معنا دارد: ۱- حک شدن نام روی عقیق ۲- مشهور شدن

گزینه‌ی «۴»: «بی‌نمکی در نمک اوست» (پارادوکس) / «سیه کاسه بودن» کنایه از «بخیل بودن»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۵- آرایه‌های «تناقض، تشبیه، کنایه، تضاد، حس‌آمیزی» به‌ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| الف) تو گر نباشی کج‌بین، چگونه آید راست | ز خاک بودن و خود را بر آسمان دیدن؟ |
| ب) غبار کوی تنزل به دیده تا نکشی | نمی‌توانی مسند بر آستان دیدن |
| پ) شب عید است، می‌باید در میخانه وا کردن | به می خشکی زهد روزه‌داران را دوا کردن |
| ت) خدا نصیب کند دیده‌ای که بتوانی | به روشنایی او سود در زیان دیدن |
| ث) ز صدق دوستی آن کس که بهره‌مند بود | شکسته دل شود از مرگ دشمنان دیدن |

(۴) الف، ث، ت، پ، ب

(۳) ت، ث، الف، ب، پ

(۲) الف، ب، ث، پ، ت

(۱) ت، ب، ث، الف، پ

(ابراهیم رضایی مقدم - لاهیجان)

تناقض ← بیت «ت»: سود در زیان دیدن

تشبیه ← بیت «ب»: غبار کوی (مشبه به) تنزل (مشبه) اضافه‌ی تشبیه‌ی

کنایه ← بیت «ث»: شکسته دل بودن

تضاد ← بیت «الف»: «ز خاک بودن و بر آسمان دیدن» (خاک و آسمان)

حس‌آمیزی ← بیت «پ»: «خشکی زهد»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲

۱✓

۵- در بیت «رنگین سخنی چون کند از خامه‌ی ما گل / باغ از گره غنچه دهد روی نما گل» آرایه‌های کدام گزینه وجود دارد؟

- (۱) حس آمیزی - تشخیص - تناقض - تناسب
(۲) اسلوب معادله - تشبیه - تضاد - کنایه
(۳) مراعات نظیر - استعاره - جناس تام - مجاز
(۴) کنایه - حس آمیزی - استعاره - تشبیه

۵-

(مریم شمیرانی)

«رنگین سخن»: حس آمیزی

«گل کردن سخن رنگین از خامه (قلم)»: کنایه از «نگارش اشعار زیبا»

«باغ که رونما می‌دهد»: استعاره و تشخیص

«گره غنچه»: تشبیه

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴✓

۳

۲

۱

۶- در کدام بیت هر سه آرایه‌ی «تشبیه، استعاره و کنایه» وجود دارد؟

- (۱) سرپنجه‌ی خورشید به شبنم نتوان تافت
(۲) سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
(۳) به امید چکیدن دست و پای می‌زند اشکم
(۴) از زخم زبان نیست گزیر اهل رقم را
دل صاف کن ای محتسب از کینه‌ی مستان
همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
تنزل در نظر معراج باشد همت دون را
بی‌چاک که دیده است گریبان قلم را

۶-

(مریم شمیرانی)

«اشکی که دست و پا می‌زند» استعاره / «دست و پا زدن» کنایه از «تلاش کردن» /

«تنزل، مانند معراج است» تشبیه

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «سرپنجه‌ی خورشید» استعاره / «صاف کردن دل» کنایه از «صمیمیت و

کینه نداشتن یا بخشیدن دیگران»

گزینه‌ی «۲»: «سرو» استعاره از «معشوق»

گزینه‌ی «۴»: «زخم زبان» کنایه از «سخنان نیش‌دار» / «گریبان قلم» استعاره

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۱۴- با توجه به ابیات، ترتیب آرایه‌های «ایهام تناسب، تشبیه، تضاد، حس آمیزی، جناس» در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

- | | |
|--|--|
| الف) هیچ کار از سعی ما چون کوهکن صورت نیست | وقت آن کس خوش کز او آثار می‌ماند به جا |
| ب) کار هر بی‌ظرف نبود دل ز جان برداشتن | زان لب میگون به تلخی می‌شود ساغر جدا |
| ج) یک دل صد پاره آید عارفان را در نظر | گرچه باشد برگ برگ لاله‌زار از هم جدا |
| د) تا چو زنبور عسل در چشم هم شیرین شوند | به که باشد خانه‌های دوستان از هم جدا |
| و) بهره از آمیزش نیکان ندارد بد که هست | در میان جمع فرد باطل از دفتر جدا |
- ۱) ب، الف، ج، و، د ۲) د، ج، و، ب، الف ۳) الف، ب، ج، و، د ۴) و، ج، د، الف، ب

۱۴-

(کالظم کالظمی)

د) ایهام تناسب: «شیرین» دو معنا دارد: ۱- عزیز، دوست داشتنی (معنی مورد نظر) ۲- مزه‌ی شیرین (که با عسل تناسب دارد).

ج) تشبیه: برگ برگ لاله‌زار به یک دل صد پاره تشبیه شده است.

و) تضاد: «نیک و بد»

ب) حس آمیزی: «جدا شدن تلخ»

الف) جناس: «ما، جا»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲✓

۱

۴- همه‌ی آرایه‌های ذکر شده در گزینه‌ی ...، در بیت زیر وجود دارد.

«کارفرمایی چو شیرین در جهان تلخ نیست / ورنه چون فرهاد دستی در هنر داریم ما»

۲) حس آمیزی - حسن تعلیل - مجاز - تلمیح

۱) تشبیه - حس آمیزی - ایهام - مجاز

۴) تشبیه - ایهام - تناسب - تضاد

۳) کنایه - حس آمیزی - تشبیه - ایهام تناسب

۴-

(سیربمال طباطبایی نثر)

«دست در کاری داشتن» کنایه از «مهارت داشتن» / «جهان تلخ» حس آمیزی /
 «چون فرهاد» تشبیه / «شیرین» ایهام تناسب: ۱- معشوقه‌ی فرهاد (منظور شاعر)
 ۲- طعم شیرین (که در گزارش بیت منظور شاعر نیست و با تلخ تناسب دارد.) /
 تلمیح: «به داستان شیرین و فرهاد» اشاره می‌کند. / تضاد: تلخ و شیرین
 (زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۵- ترتیب قرار گرفتن ابیات براساس آرایه‌های «اسلوب معادله - تشبیه - استعاره - تناقض - ایهام» در کدام گزینه درست است؟

| | |
|-------------------------------------|---|
| الف) قامت از خمیدگی صورت چنگ شد ولی | چنگ نمی‌توان زدن زلف خمیده‌ی تو را |
| ب) میان ماندن و رفتن حکایتی دارم | که آشکارا در پرده‌ی کنایت رفت |
| ج) از چنگ غم خلاص تمنی کنم ز دهر | کافغان به نای حلق چو ارغن (نوعی ساز) درآورم |
| د) در پیر هست طول امل از جوان زیاد | از نخل‌هاست نخل کهن ریشه‌دارتر |
| ه) روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید | حالی‌ا چشم جهانی نگران من و توست |

۱) د، ه، ب، الف، ج ۲) ب، الف، ج، د، ه ۳) الف، ج، ه، ب، د ۴) د، الف، ج، ب، ه

۵-

(داور تالشی)

«د» ← اسلوب معادله: مصراع دوم مثالی است برای مصراع اول (هر دو مصراع در یک مفهوم بیان شده است) / «الف» ← تشبیه: «قامت من مثل چنگ شد از نظر خمیدگی» / «ج» ← استعاره: چنگ (دست) غم: تشخیص و استعاره / «ب» ← تناقض: «آشکارا در پرده‌ی کنایت سخن گفتن» / «ه» ← ایهام: «نگران» دو معنا دارد: ۱- نگاه کردن ۲- نگران بودن

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴✓

۳

۲

۱

۱۷- در عبارت زیر چند «تشبیه» به کار رفته است؟

«صبح زلال چون آب گوارای چشمه‌ها از کرانه‌ی خاور برمی‌تراود و روشنایی نیلگون خود را بر زمین می‌پاشاند. روشن اما سایه‌وش است.

صبح دمدام رنگ می‌بازد و به شیرگونگی می‌گراید؛ زاده می‌شود کودک صبح.»

۱) چهار ۲) پنج ۳) شش ۴) هفت

صبح چون آب ... / روشنایی نیلگون / صبح سایه‌وش / صبح به شیرگونگی / کودک

صبح = ۵ تشبیه

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲✓

۱

۵- آرایه‌های «تکرار، حسن تعلیل، ایهام، متناقض‌نما و اغراق» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| الف) افتاد دو عالم ز نظر دیده‌ی ما را | نادیده مبین چشم جهان‌دیده‌ی ما را |
| ب) که دید دیده‌ی گریان من که گریه نکرد | به غیر دوست که پنداشت سیر دریا کرد |
| ج) ما را سری است با تو که گر خلق روزگار | دشمن شوند و سر برود هم بر آن سریم |
| د) چو اندر آب عکس یار خوش‌تر می‌شود پیدا | از آن رو آب در چشمم مگر بسیار می‌آید |
| هـ) حافظ آن ساعت که این نظم پریشان می‌نوشت | طایر فکرش به دام اشتیاق افتاده بود |

۱) ج، د، الف، هـ، ب

۲) د، ج، هـ، ب، الف

۳) ج، هـ، د، الف، ب

۴) الف، ب، ج، د، هـ

۵-

(مریم شمیرانی)

ج: تکرار واژه‌ی «سر» / د: حسن تعلیل: چون تصویر یار در آب زیباتر است، چشمم پر آب می‌شود. / الف: ایهام ← جهان‌دیده: ۱) چشمی که جهان را دیده است ۲) چشمی که با تجربه است. / هـ: متناقض‌نما: «نظم پریشان» / ب: اغراق، هر کس چشم گریان مرا دید، گریست به غیر از یار که فکر می‌کرد دارد دریا را تماشا می‌کند. (اشکم دریایی به پا کرده بود).

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲

۱✓

۶- آرایه‌ی روبه‌روی کدام گزینه نادرست ذکر شده است؟

- | | |
|---|--|
| ۱) کس چو حافظ نگشود از رخ اندیشه نقاب | تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند (استعاره، کنایه) |
| ۲) باد بیرون کن ز سر تا جمع گردی، بهر آنک | خاک را جز باد نتواند پریشان داشتن (تناقض، جناس ناقص) |
| ۳) چو شیرینی از من به در می‌رود | چو فرهادم آتش به سر می‌رود (ایهام تناسب، تشبیه) |
| ۴) گوشم شنید قصه‌ی ایمان و مست شد | کو قسم چشم، صورت ایمانم آرزوست (حسن آمیزی، تشخیص) |

۶-

(داود تالشی)

«جمع» و «پریشان» تضاد دارند و تناقض ندارند. / «باد» در مصراع اول به معنای «غرور» و «باد» در مصراع دوم به معنای «جابه‌جا شدن هوا» جناس تام دارند ولی جناس ناقص نیستند.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: استعاره: «رخ اندیشه»، «زلف سخن» / «نقاب گشودن» کنایه از «آشکار ساختن»

گزینه‌ی «۳»: تشبیه: «چو فرهاد» / ایهام تناسب: «شیرینی» دو معنا دارد: «شیرین بودن» (معنای مورد نظر شاعر) ۲- بانوی ارمنی (تناسب با فرهاد)

گزینه‌ی «۴»: حسن آمیزی: گوشم (شنوایی) مست شد (چشایی) / تشخیص: «گوشم مست شد»، «صورت ایمان» (زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲✓

۱

۱۴- آرایه‌های ادبی مقابل همه‌ی ابیات به‌جز گزینه‌ی ... درست است.

- | | |
|--|--|
| ۱) پای کوبان برفراز بیستون عشق تو | کوه‌کن را لرزه می‌اندازم اندر گور باز (کنایه، تشبیه) |
| ۲) ای هوس، شکر قناعت کن که استغنا‌ی فقر | بر سر ما چتر شاهی کرد برگ کاه را (تناقض، استعاره) |
| ۳) ز رنگ حرف بوی غنچه‌ی راز نهان یابم | پریشان خاطری را از سر زلف سخن بینم (اسلوب معادله، حسن آمیزی) |
| ۴) بهمن غم کرد درون، دست به دستان و فسون | رستم جان گشت زبون، ای خرد زال، بیا (تلمیح، ایهام تناسب) |

«رنگ حرف» حس آمیزی دارد، اما بیت اسلوب معادله ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «پای کوبان» کنایه از «رقص کنان» / «بیستون عشق» تشبیه

گزینه ۲: «استغنای فقر» تناقض / «ای هوس» استعاره (تشخیص)

گزینه ۴: تلمیح: «بهمن، رستم و زال» اشاره به یکی از داستان‌های شاهنامه است.

/ ایهام تناسب: «دستان» دو معنا دارد: ۱- مکر (معنای مورد نظر شاعر) ۲- جدّ رستم

(تناسب با رستم) و «زال» دو معنا دارد: ۱- پیر (معنای مورد نظر شاعر) ۲- زال

(تناسب با رستم) (زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۱۱- کدام گزینه ترتیب ابیات را به لحاظ داشتن آرایه‌های «ایهام تناسب- استعاره- تشبیه- متناقض‌نما» نشان می‌دهد؟

الف) بگشا کمند زلف که دل دردمند توست آهوی نیم‌کشته‌ی ما در کمند توست

ب) کشیدم پای در دامن، مگر مجموع دامن شد کنون خود را همی‌بینم که مجموعی پریشانم

ج) تو به عارض زهره و من مشتری از جان تو را لیک کو آن زهره کایم زهرهات را مشتری

د) هزار جهد بکردم که سر عشق بیوشم نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم

۱) الف، د، ب، ج ۲) ج، د، الف، ب ۳) د، الف، ج، د ۴) ج، الف، ب، د

۱۱-

(لطم کاظمی)

ج) ایهام تناسب: مشتری ۱- طالب و خریدار (معنی مورد نظر) ۲- نام یک ستاره (که

با زهره تناسب دارد.) / د) استعاره: «آتش» استعاره از «عشق» / الف) تشبیه: کمند زلف

(اضافه‌ی تشبیه‌ی) ب) متناقض‌نما: مجموع پریشان (مجموع: آسوده خیال)

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲✓

۱

۱۲- در کدام یک از ابیات زیر، «ایهام» به کار رفته است؟

۱) در مشک و عود و عنبر و امثال طبیات خوش‌تر ز بوی دوست دگر هیچ طیب نیست

۲) مدام از پیریشانی روزگار دلش پر ز حسرت، تنش سوگوار

۳) از آن زمان که بر این آستان نهادم روی فراز مسند خورشید تکیه‌گاه من است

۴) آواز چنگ مطرب خوشگوی گو مباش ما را حدیث همدم خوشخوی خوش‌تر است

۱۲-

(حسن و سگری - ساری)

«روی نهادن» در دو معنی پذیرفتنی است: ۱- چهره بر زمین نهادن ۲- توجه کردن
توجه: واژه‌های «بو، مدام، چنگ و عود»، گرچه از کلمات ایهام‌ساز هستند، اما در این
ابیات فقط در یک معنا پذیرفتنی هستند و معنی دومی ندارند.

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۱۳- آرایه‌های مقابل کدام بیت تماماً درست نیست؟

- | | |
|--|---|
| (۱) آشنایی نه غریب است که دلسوز من است | چون من از خویش برفتم دل بیگانه بسوخت (کنایه- ایهام تناسب) |
| (۲) مگر نسیم خطت صبح در چمن بگذشت | که گل به بوی تو بر تن چو صبح جامه درید (ایهام- تشخیص) |
| (۳) شد سپر از دست عقل تا ز کمین عتاب | تیغ جفا برکشید ترک زره موی من (استعاره- تشبیه) |
| (۴) عشق به تاراج داد رخت صبوری دل | می‌کنند بخت شور خیمه ز پهلوی من (اسلوب معادله- حس آمیزی) |

۱۳-

(لاظم کاظمی)

«بخت شور» می‌تواند حس آمیزی باشد اما در بیت اسلوب معادله به کار نرفته است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «از خویش رفتن» کنایه از «از خود بی خود شدن، عاشق و سرمست
شدن، بی‌هوش شدن و ...» / ایهام تناسب: «غریب» دو معنا دارد: ۱- شگفت، عجیب
(معنی مورد نظر) ۲- ناآشنا، غریبه (که با بیگانه تناسب دارد).

گزینه‌ی «۲»: ایهام: «بو» دو معنا دارد: ۱- عطر و رایحه ۲- امید و آرزو / تشخیص:
جامه‌دریدن گل

گزینه‌ی «۳»: استعاره: دست عقل (اضافه‌ی استعاری) / تشبیه: کمین عتاب، تیغ جفا
(اضافه‌ی تشبیه‌ی)

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴✓

۳

۲

۱

۱۴- در بیت «قد پیران تواضع می‌کند عیش جوانی را / پل از بهر وداع سیل پشت خود دو تا دارد» همه‌ی آرایه‌های ذکر شده در

گزینه‌ی ... به کار رفته است.

- | | |
|--|-------------------------------------|
| (۱) حسن تعلیل- تشخیص- مجاز- پارادوکس | (۲) تشبیه- جناس- تشخیص- ایهام |
| (۳) اسلوب معادله- حسن تعلیل- تضاد- استعاره | (۴) تناقض- جناس- مجاز- اسلوب معادله |

۱۴-

(سیربهمال طباطبائی نژاد)

«مصرع دوم در حکم مثالی است برای اثبات سخن مصرع اول» = اسلوب معادله / علت
دو تا شدن پشت پل، وداع کردن با سیل بیان شده که علتی است شاعرانه = حسن
تعلیل / دو تا شدن پشت پل = تشخیص و استعاره / «پیر و جوانی» = تضاد

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۹- اگر بخواهیم ابیات زیر را بر پایه‌ی داشتن آرایه‌های «ایهام، تشبیه، استعاره، حسن تعلیل و جناس» منظم کنیم، کدام ترتیب صحیح است؟

- | | |
|---|--------------------------------------|
| الف) آن سیه‌چرده که شیرینی عالم با اوست | چشم می‌گون، لب خندان، دل خرم با اوست |
| ب) مگر تو شانه‌زدی زلف عنبرافشان را | که باد، غالیه‌سا گشت و خاک، عنبربوست |
| ج) زبان ناطقه در وصف حسن او لال است | چه جای کلک بریده‌زبان بیهده‌گوست |
| د) دل دادمش به مژده و خجلت همی‌برم | زین نقد قلب خویش که کردم نثار دوست |
| هـ) دریای عشق را به حقیقت کنار نیست | ور هست پیش اهل حقیقت کنار اوست |
- ۱) ج-ب-الف-د-هـ ۲) الف-هـ-ج-ب-د ۳) الف-ج-ب-د-هـ ۴) د-الف-ج-ب-هـ

۹- (ممد رضا زرسنج - شیراز)

بیت «د»: «قلب» ایهام دارد: ۱- سکه‌ی تقلبی ۲- دل / بیت «الف»: «چشم می‌گون» تشبیه / بیت «ج»: «کلک بریده زبان بیهده‌گو» استعاره / بیت «ب»: «شاعر، علت معطر شدن باد و خاک را شانه زدن زلف یار دانسته است»: حسن تعلیل / بیت «هـ»: «کنار» و «کنار» جناس تام دارند.

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴ ✓

۳

۲

۱

۱۰- آرایه‌های مقابل همه‌ی ابیات به‌جز بیت ... درست است.

- | | |
|---|--|
| ۱) گردش چشمی که من دیدم از آن وحشی غزال | در فلاخن می‌گذارد خواب سنگین مرا (حسن آمیزی، استعاره) |
| ۲) از آن سفید بود روی صبحدم که نزد | به غیر دامن شب‌ها به هیچ دامن دست (حسن تعلیل، تشبیه) |
| ۳) سال‌ها گردن کشیدم چون هدف در انتظار | تا مرا تیری از آن ابروکمان آمد به دست (تشبیه، کنایه) |
| ۴) جذبه‌ی دریا ندارد سیل را دست از عنان | اختیاری نیست در قطع مراحل عشق را (اسلوب معادله، استعاره) |

۱۰- (مفسر اصغری)

حسن تعلیل دارد: (شاعر دلیل سفیدروی بودن صبح را دست به دامن شب شدن دانسته است.) / تشبیه ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: خواب سنگین ← حس آمیزی / «وحشی غزال» استعاره از «معشوق»
گزینه‌ی «۳»: گردن کشیدن ← کنایه / «چون هدف» و «ابرو کمان» ← تشبیه
گزینه‌ی «۴»: مصراع اول معادل و مثالی برای مصراع دوم ذکر شده است ← اسلوب معادله / دست سیل ← استعاره (اضافه‌ی استعاری)

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲ ✓

۱

۱۱- در کدام بیت، آرایه‌ی «اسلوب معادله» به‌کار نرفته است؟

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱) در این زمان که عقیم است جمله صحبت‌ها | کناره گیر و غنیمت شمار عزلت را |
| ۲) زخم می‌باشد گران، شمشیر لنگردار را | زینهار از دشمنان بردبار اندیشه کن |
| ۳) سماع اهل دل از روی شادمانی نیست | سپند از سر آتش ز درد می‌خیزد |
| ۴) عشق در کار دل سرگشته‌ی ما عاجز است | بحر نتواند گشودن عقده‌ی گرداب را |

مصراع دوم در ادامه‌ی مصراع اول است و نمی‌تواند اسلوب معادله داشته باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: بین شمشیر لنگردار با دشمنانِ بردبار، معادله دیده می‌شود و مصراع اول مصداقی برای مصراع دوم است.

گزینه‌ی «۳»: بین سماع اهل دل با خیزیدن سپند از سر آتش اسلوب معادله برقرار شده است.

گزینه‌ی «۴»: بین عشق با بحر و دل سرگشته‌ی ما با عقده‌ی گرداب، معادله برقرار شده است.

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲

۱✓

۴- کدام آرایه‌ها تماماً در بیت زیر وجود دارد؟

«چو در گره فکنی آن کمند پرچین را / چو تاب طره به هم بر زنی همه چین را»

(۱) ایهام، کنایه، مجاز، جناس، اغراق (۲) استعاره، مجاز، ایهام تناسب، نغمه‌ی حروف، تشبیه

(۳) تشبیه، استعاره، ایهام، مراعات‌نظیر، کنایه (۴) مراعات‌نظیر، اغراق، ایهام تناسب، حسن تعلیل، جناس

۴-

(مرتضی منشاری - اردبیل)

«کمند» استعاره از «زلف» / مجاز: «چین» در مصراع دوم، مجاز از «مردم چین» /

ایهام تناسب: «چین» در مصراع دوم: ۱- کشور چین، (معنی مورد نظر شاعر) ۲-

«چین و شکن زلف»، (با طره و کمند پرچین تناسب دارد). / نغمه‌ی حروف:

صامت «ر»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲✓

۱

۵- آرایه‌های «تناقض، حسن تعلیل، استعاره، تشبیه، مجاز» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

الف) در صفای سینه‌ی خود سعی کن تا ممکن است صاف اگر با خویش خواهی سینه‌ی احباب را

ب) بر شکیبایی مناز ای دل که آن مژگان شوخ خانه‌ی زنبور می‌سازد به سوزن سنگ را

ج) صبح هر روز از شفق صد کاسه خون سر می‌کشد تا در آغوش آورد خورشید عالم تاب را

د) مغز سر من نیست تُنک مایه‌ی سودا در دیده‌ی من جوش بهار است خزان را

ه) کی به خون قطره، صائب پنجه رنگین می‌کند آن که چون مرجان کند از بحر، خونین دست را

(۱) ه، د، ج، الف، ب (۲) د، ج، ه، ب، الف (۳) ه، د، الف، ج، ب (۴) د، ج، ب، الف، ه

-۵

(مریم شمیرانی)

بیت «د» تناقض: «خزان که جوش بهار است» / بیت «ج» حسن تعلیل: «سرخى شفق بدان سبب است که صد کاسه خون سرکشیده است و این که بتواند خورشید را در آغوش کشد.» دلیل ادبی برای سرخی آسمان و طلوع خورشید / بیت «ه» استعاره: خون قطره / بیت «ب» تشبیه: «سنگ را مثل خانه‌ی زنبور سوراخ سوراخ می‌کند.» / بیت «الف» مجاز: «سینه» مجاز از «دل»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲✓

۱

۶- در ابیات زیر چند «تشبیه» وجود دارد؟

ندید کسی گل انجام بر سر آغاز

الف) فغان که شمع صفت زین بهار نومیدی

خواهی سرت به سقف نیاید خمیده رو

ب) در تنگنای خانه‌ی گردون هلال‌وار

۴ شش

۳ پنج

۲ چهار

۱ سه

(مریم شمیرانی)

-۶

الف) «شمع صفت»، «بهار نومیدی»، «گل انجام»: ۳ تشبیه

ب) «خانه‌ی گردون»، «هلال‌وار»: ۲ تشبیه

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۷- آرایه‌های مقابل کدام بیت تماماً درست است؟

به وقت صبح چرا کوه و دشت گلناری است (حسن تعلیل، حس آمیزی)

۱) اگر که در دل شب خون نمی‌کند گردون

چو در کنار منی جمله در کنار من است (استعاره، تضاد)

۲) بهار و سرو و گل و سوسن ای بهار بتان

هرگز شنیده‌ای ز دهان قمر، سخن (تشخیص، اسلوب معادله)

۳) شرم آیدم همی که قمر خوانمت به حسن

کم‌ترین ملک تو از ماه بود تا ماهی (مجاز، پارادوکس)

۴) اگرکرت سلطنت فقر ببخشند ای دل

«سلطنت فقر»: پارادوکس / «دل»: مجاز از «انسان»

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: علت گلگون بودن کوه و دشت در هنگام صبح غیر واقعی بیان شده است (حسن تعلیل) / بیت حس‌آمیزی ندارد.

گزینه‌ی «۲»: «بهار بتان» استعاره از «یار» / بیت تضاد ندارد.

گزینه‌ی «۳»: «دهان قمر» تشخیص و استعاره / بیت اسلوب معادله ندارد.

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴ ✓

۳

۲

۱

۵- در کدام گزینه به ترتیب آرایه‌های «حس‌آمیزی، تشبیه، تناقض، استعاره» وجود دارد؟

- | | |
|---|--|
| الف) ز بوی گل شنیدم تا حدیث بی‌وفایی را | چو طول غنچه پیش از مرگ در فکر کفن رفتم |
| ب) کامم از تلخی غم چون زهر گشت | بانگ نوش شادخواران یاد باد |
| ج) فغان که کام مرا تلخ کرد شیرینی | که با لبش نتوان حرف شکرستان گفت |
| د) عشق‌بازی و جوانی و شراب لعل فام | مجلس انس و حریف همدم و شرب مدام |
- ۱) الف، ب، د، ج ۲) ب، د، ج، الف ۳) د، الف، ج، ب ۴) ب، ج، د، الف

(علیرضا زریافت‌امیل)

ب) «تلخی غم»: حس‌آمیزی / د) «شراب لعل فام»: تشبیه / ج) «شیرینی کام را تلخ می‌کند»: تناقض / الف) «بی‌وفایی گل»: استعاره و تشخیص

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲ ✓

۱

۶- آرایه‌های مقابل همه‌ی ابیات به جز بیت گزینه‌ی ... تماماً صحیح هستند.

- | | |
|--|---|
| ۱) سیلاب سرشک از غم هجران توام دوش | تا دوش بُد، امروز به بالای سر آمد (تشبیه، جناس) |
| ۲) همی برون جهد از آسمان ستاره به شب | ز بیم تیرت و بر قول من دلیل، شهاب (حسن تعلیل، تشخیص) |
| ۳) آن کس که به دست جام دارد | سلطانی جـم مدام دارد (کنایه، ایهام تناسب) |
| ۴) کم نشد از گریه‌ی مستانه، خواب غفلتم | سیل نتوانست کند از جای خود این سنگ را (تضاد، استعاره) |

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «سیلاب سرشک» تشبیه / «دوش» اول: «دیشب»، «دوش» دوم: «کتف» ← جناس تام

گزینه‌ی «۲»: «هر شب از ترس تیر تو ستاره از آسمان می‌گریزد و دلیل این سخن من هم شهاب است: حسن تعلیل» / «ستاره‌ای که از بیم می‌گریزد» تشخیص

گزینه‌ی «۳»: «جام در دست داشتن» کنایه از «شراب داشتن و خوردن» / «ایهام تناسب»: «مدام» دو معنا دارد: ۱- همیشه (معنای مورد نظر) ۲- «نوعی شراب» (که این‌جا با «جام» تناسب دارد).

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴ ✓

۳

۲

۱

۱۴- آرایه‌های بیت «به ذوق ناله‌ی من آسمان مستانه می‌رقصد / جهان ماتم‌سرا گردد اگر من از نوا افتم» در کدام گزینه آمده است؟

(۱) پارادوکس، اسلوب‌معادله، تشخیص، اغراق (۲) تشخیص، جناس، ایهام، اغراق

(۳) اغراق، استعاره، ایهام، تشبیه (۴) تشبیه، اسلوب‌معادله، ایهام، تکرار

(علیرضا بعفری - شیراز)

۱۴-

رقصیدن آسمان: استعاره و تشخیص / ایهام: «از نوا افتم» دو معنا دارد: ۱-

بدبخت شوم ۲- ناله نکنم / جهان [مانند] ماتم‌سرا گردد: تشبیه / اگر شاعر ناله

نکند کل جهان ماتم‌سرا می‌شود: اغراق / من و من: تکرار

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳ ✓

۲

۱

۴- کدام گزینه بیت‌های زیر را به ترتیب داشتن آرایه‌های «مجاز، ایهام تناسب، حس آمیزی، تشبیه، تضاد» مرتب می‌کند؟

(الف) عجب مدار ز هر مو چو چنگ اگر نالم که عشق زمزمه بر تار پیرهن بندد

(ب) ناله‌های گرم را از بس که تأثیری نماند بعد از این از سینه آه سرد می‌باید کشید

(ج) گل ز دست غیر می‌گیری و بر سر می‌زنی در میان عاشقان این سرزنش ما را بس

(د) نیست پند تلخ واعظ آشنای هر مذاق می‌برد از هوش این می‌کبک صاحب‌هوش را

(ه) ماهم این هفته برون رفت و به چشم سالی است حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است

(۱) ج، ه، د، الف، ب (۲) ج، الف، ب، ه، د (۳) الف، ج، د، ه، ب (۴) د، ه، ب، الف، ج

-۴

(علیرضا جعفری - شیراز)

ج) مجاز: «سر» مجاز از «موی سر» / ه) ایهام تناسب: «ماه» دو معنا دارد: ۱- استعاره از «معشوق» (معنای مورد نظر بیت) ۲- یک دوازدهم سال که سی روز است (متناسب با سال و هفته) / د) حس آمیزی: «پند تلخ» / الف) چو چنگ: تشبیه / ب) تضاد: گرم و سرد

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲

۱✓

۵- آرایه‌های مقابل کدام بیت نادرست ذکر شده است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست | عندلیبان را چه پیش آمد؟ هزاران را چه شد (جناس، نغمه‌ی حروف) |
| ۲) عاشقان، مرغ و هوا عشق و جهان هست قفس | با قفس انس ندارند هوا می‌خواهند (ایهام، مراعات‌نظیر) |
| ۳) از زبان لعل لبش تلخی گفتار نبرد | نمک سنگ کجا تلخی بادام کشد؟ (اسلوب‌معادله، تضاد) |
| ۴) دولت خواهی، مده ز کف دامن فقر | کز دولت فقر شد هما، شاه‌نشان (پارادوکس، تشخیص) |

-۵

(مصنوعی - اصفه‌ری)

اسلوب‌معادله: همان‌طور که نمک سنگ نمی‌تواند تلخی بادام را از بین ببرد، لب‌های یار، تلخی گفتار او را بی‌اثر نمی‌کند. / تضاد در بیت وجود ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: جناس تام: «هزاران» در مصراع اول: جمع هزار و «هزاران» در مصراع دوم: بلبلان / نغمه‌ی حروف: مصوت «الف»
گزینه‌ی «۲»: هوا (مصراع دوم) ایهام دارد: ۱- گازی بی‌رنگ و بی‌طعم و بو و نامرئی که تمام کره‌ی زمین را فراگرفته است. ۲- امید، عشق / مراعات‌نظیر: «مرغ، قفس و هوا»

گزینه‌ی «۴»: پارادوکس: مفهوم مصراع اول و «دولت فقر» پارادوکس دارد / استعاره و تشخیص: دامن فقر

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۱۴- در کدام بیت «اسلوب معادله» وجود ندارد؟

- | | |
|----------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) از موجهی سراب شود بیش تشنگی | پروانه را خنک نشود دل ز ماهتاب |
| ۲) کامل عیار نیست به میزان دوستی | هر کس که هم خمار نگردد به هم شراب |
| ۳) اشک ندامت است سیه‌کار را فزون | در تیرگی زیاده بود ریزش سحاب |
| ۴) موی سفید ریشه‌ی طول امل بود | در شوره‌زار بیش بود موجهی سراب |

۱۴-

(سراسری تبری - ۹۲)

بیت این گزینه، یک جمله‌ی مستقل مرکب است و ویژگی‌های اسلوب معادله در آن دیده نمی‌شود.

(ادبیات فارسی ۲، آرایه، صفحه‌های ۱۷۳ و ۱۷۵)

۴

۳

۲✓

۱

۵- آرایه‌های مقابل همه‌ی ابیات کاملاً درست است، به جز گزینه‌ی

- | | |
|---|--|
| ۱) دهان غنچه به لب مهر دارد از شب‌نم | ز بس خجل شده در روزگار خنده‌ی تو (حسن تعلیل - تشخیص) |
| ۲) به رنگ گردباد از خاکساری می‌کشم جامی | که تا بر خویش می‌پیچم دماغ آسمان دارم (مجاز - کنایه) |
| ۳) سماع اهل دل از روی شادمانی نیست | سپند از سر آتش ز درد می‌خیزد (اسلوب معادله - استعاره) |
| ۴) آهوی چین را جگر در نافه‌ی سودا بسوخت | تا حدیث سنبل زلف تو در چین کرده‌اند (جناس - ایهام تناسب) |

هر دو واژه‌ی «چین» به معنای «کشور چین» است و جناس ندارد.

ایهام تناسب «چین»: ۱- کشور چین (معنای مورد نظر شاعر) ۲- چین و شکن مو

(متناسب با زلف)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: شاعر دلیل این که غنچه بر لب مَهری از شب‌نم دارد را شرم از خنده‌ی

معشوق می‌داند. (حسن تعلیل) / دهان غنچه (تشخیص)

گزینه‌ی «۲»: «جام» مجازاً «شراب» / «خاکساری» کنایه از «فروتنی»

گزینه‌ی «۳»: اسلوب معادله: «سَماع اهل دل از شادمانی نیست همان‌طور که اسفند

به علت درد است که از روی آتش می‌جهد.» / استعاره: «درد داشتن اسفند»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴ ✓

۳

۲

۱

۶- کدام گزینه ترتیب آرایه‌های «تشبیه، جناس تام، استعاره، حسن تعلیل، کنایه، ایهام» را نشان می‌دهد؟

دور از رخ تو چشم مرا نور نماندست

الف) هنگام وداع تو ز بس گریه که کردم

که دوستان وفادار بهتر از خویش‌اند

ب) مرا به علت بیگانگی ز خویش مران

آن‌که در عَرَب‌ده می‌آورد او مستان را

ج) نرگس مست وی آزار دلم می‌طلبد

تابه خون دل من رنگ کند دستان را

د) او به شمشیر جفا خون دلم می‌ریزد

بیا که ما سپر انداختیم اگر جنگ است

ه) به خشم رفته‌ی ما را که می‌برد پیغام

زان همی‌نالد که بر وی زخم بسیار آمده است

و) نی که می‌نالد همی در مجلس آزادگان

۴) ج، د، ه، الف، ب، و

۳) د، ج، ب، الف، و، ه

۲) ج، الف، و، ب، د، ه

۱) د، ب، ج، و، ه، الف

(د) تشبیه: شمشیر جفا (اضافه‌ی تشبیهی) / (ب) جناس تام: «خویش» مصراع اول (خود) و «خویش» مصراع دوم (خویشاوند) / (ج) استعاره: «ترگس» استعاره از «چشم یار» / (و) حسن تعلیل: ناله‌ی نی بدان سبب است که زخم‌های بسیار خورده است. / (ه) «سپر انداختن» کنایه از «تسلیم شدن» / (الف) «دور از رخ تو» دو معنا دارد: ۱- از رخ تو دور باشد ۲- در دوری و هجران تو

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲

۱✓

۱۴- کدام آرایه‌ها «تماماً» در بیت زیر وجود دارد؟

«ماه و پروین از خجالت رخ فروپوشد اگر / آفتاب آسا کند در شب تجلی روی تو»

(۱) مجاز - کنایه - تشبیه - استعاره (۲) استعاره - تلمیح - حسن تعلیل - تشبیه

(۳) مجاز - اسلوب معادله - تضاد - کنایه (۴) تشخیص - حسن تعلیل - جناس - متناقض‌نما

مجاز: رخ و روی مجاز از همه‌ی وجود / کنایه: «رخ فروپوشیدن»، کنایه از «پنهان شدن» / تشبیه: آفتاب آسا (همانند آفتاب بودن) / استعاره: «رخ فروپوشیدن ماه و پروین» (اضافه‌ی استعاری)

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲

۱✓

۵- آرایه‌های مقابل همه‌ی ابیات کاملاً درست است، به جز گزینه‌ی

- | | |
|--|--|
| (۱) دهان غنچه به لب مهر دارد از شبنم | ز بس خجل شده در روزگار خنده‌ی تو (حسن تعلیل - تشخیص) |
| (۲) به رنگ گردباد از خاکساری می‌کشم جامی | که تا بر خویش می‌پیچم دماغ آسمان دارم (مجاز - کنایه) |
| (۳) سماع اهل دل از روی شادمانی نیست | سپند از سر آتش ز درد می‌خیزد (اسلوب معادله - استعاره) |
| (۴) آهوی چین را جگر در نافه‌ی سودا بسوخت | تا حدیث سنبل زلف تو در چین کرده‌اند (جناس - ایهام تناسب) |

هر دو واژه‌ی «چین» به معنای «کشور چین» است و جناس ندارد.

ایهام تناسب «چین»: ۱- کشور چین (معنای مورد نظر شاعر) ۲- چین و شکن مو

(متناسب با زلف)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: شاعر دلیل این که غنچه بر لب مهوری از شب‌نم دارد را شرم از خنده‌ی

معشوق می‌داند. (حسن تعلیل) / دهان غنچه (تشخیص)

گزینه‌ی «۲»: «جام» مجازاً «شراب» / «خاکساری» کنایه از «فروتنی»

گزینه‌ی «۳»: اسلوب معادله: «سماع اهل دل از شادمانی نیست همان‌طور که اسفند

به علت درد است که از روی آتش می‌جهد.» / استعاره: «درد داشتن اسفند»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴ ✓

۳

۲

۱

۶- کدام گزینه ترتیب آرایه‌های «تشبیه، جناس تام، استعاره، حسن تعلیل، کنایه، ایهام» را نشان می‌دهد؟

دور از رخ تو چشم مرا نور نماندست

الف) هنگام وداع تو ز بس گریه که کردم

که دوستان وفادار بهتر از خویش‌اند

ب) مرا به علت بیگانگی ز خویش مران

آن‌که در عربده می‌آورد او مستان را

ج) نرگس مست وی آزار دلم می‌طلبد

تابه خون دل من رنگ کند دستان را

د) او به شمشیر جفا خون دلم می‌ریزد

بیا که ما سپر انداختیم اگر جنگ است

ه) به خشم رفته‌ی ما را که می‌برد پیغام

زان همی‌نالد که بر وی زخم بسیار آمده است

و) نی که می‌نالد همی در مجلس آزادگان

۴) ج، د، ه، الف، ب، و

۳) د، ج، ب، الف، و، ه

۲) ج، الف، و، ب، د، ه

۱) د، ب، ج، و، ه، الف

(د) تشبیه: شمشیر جفا (اضافه‌ی تشبیهی) / (ب) جناس تام: «خویش» مصراع اول (خود) و «خویش» مصراع دوم (خویشاوند) / (ج) استعاره: «ترگس» استعاره از «چشم یار» / (و) حسن تعلیل: ناله‌ی نی بدان سبب است که زخم‌های بسیار خورده است. / (ه) «سپر انداختن» کنایه از «تسلیم شدن» / (الف) «دور از رخ تو» دو معنا دارد: ۱- از رخ تو دور باشد ۲- در دوری و هجران تو

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲

۱✓

۱۴- کدام آرایه‌ها «تماماً» در بیت زیر وجود دارد؟

«ماه و پروین از خجالت رخ فروپوشد اگر / آفتاب آسا کند در شب تجلی روی تو»

(۱) مجاز - کنایه - تشبیه - استعاره (۲) استعاره - تلمیح - حسن تعلیل - تشبیه

(۳) مجاز - اسلوب معادله - تضاد - کنایه (۴) تشخیص - حسن تعلیل - جناس - متناقض‌نما

مجاز: رخ و روی مجاز از همه‌ی وجود / کنایه: «رخ فروپوشیدن»، کنایه از «پنهان شدن» / تشبیه: آفتاب آسا (همانند آفتاب بودن) / استعاره: «رخ فروپوشیدن ماه و پروین» (اضافه‌ی استعاری)

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲

۱✓

۵- آرایه‌های کدام گزینه تماماً در بیت «بند بدم را جدا کرده است دست غم به تیغ / تو به خون گرم می، پیوند کن بدم ز بند»

وجود دارد؟

(۱) جناس تام، تشخیص (۲) تضاد، استعاره

(۳) حس آمیزی، مراعات‌نظیر (۴) تکرار، اسلوب معادله

«جدا کرده است و پیوند کن» تضاد/ «دست غم» و «خون می» تشخیص و استعاره/
«بند (مفصل)، دست، خون» مراعات نظیر

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۱

۲✓

۳

۴

۶- ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های «ایهام، حس آمیزی، تلمیح، تشبیه و حسن تعلیل» کدام است؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| الف) به شوربختی از آن دل نهاده‌ام که نمک | برای تلخی بادام بهتر از قند است |
| ب) از مه او مه شکافت دیدن او برنتافت | ماه چنان بخت یافت او که کمینه گداست |
| ج) سوختم از آتش دل در میان موج اشک | شوربختی بین که در آغوش دریا سوختم |
| د) دی در گذار بود و نظر سوی ما نکرد | بیچاره دل که هیچ ندید از گذار عمر |
| هـ) چون نسازد ناله‌ی گرمش جگرها را کباب | بلبل ما بارها داغ گلستان دیده است |

۱) د، ج، هـ، الف، ب

۲) الف، ج، ب، هـ، د

۳) د، هـ، ب، ج، الف

۴) الف، ج، هـ، ب، د

۶-

(حسن و سگری - ساری)

بیت «د»: ایهام: «عمر» دو معنی دارد: ۱- معشوق ۲- گذر زمان و عمر / بیت «هـ»: «ناله‌ی گرم» حس آمیزی دارد. / بیت «ب»: تلمیح: به واقعه‌ی «شق القمر» اشاره شده است. / بیت «ج»: «موج اشک» اضافه‌ی تشبیهی است. / بیت «الف»: حسن تعلیل: «به شوربختی (بدبختی) خو گرفته‌ام زیرا که برای تلخی بادام، نمک بهتر از قند است.»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۱

۲

۳✓

۴

۱۴- در بیت «خامشی از بس که نازک می‌سراید درد دل / جز خیال شاه فریادم کسی نشنیده است» آرایه‌های کدام گزینه آمده است؟

- | | |
|---|--|
| ۱) تشبیه، تشخیص، نغمه‌ی حروف، ایهام | ۲) استعاره، مجاز، حس آمیزی، جناس |
| ۳) پارادوکس، ایهام، تشخیص، اسلوب معادله | ۴) تناقض، استعاره، حس آمیزی، واج‌آرایی |

«خامشی می‌سراید» تناقض (پارادوکس) / «سرودن خامشی» و «خیال شاه فریاد را شنیده باشد» تشخیص و استعاره / «نازک می‌سراید» حس آمیزی / واج‌آرایی مصوت «ا» و صامت‌های «س، د»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴ ✓

۳

۲

۱

۴- کدام گروه از آرایه‌های ادبی، همگی در بیت «تا در مقام خدمت، پیش تو خاک بوسد / روزی دو ره نهاده خورشید بر زمین لب» یافت می‌شود؟

- | | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| (۱) تشبیه، واج‌آرایی، ایهام | (۲) تضاد، مجاز، حسن تعلیل |
| (۳) کنایه، ایهام تناسب، تشبیه | (۴) استعاره، حسن تعلیل، تناسب |

(مریم شمیرانی)

۴-

«خاک بوسیدن و لب بر زمین نهادن خورشید» استعاره و تشخیص / «بوسیدن و لب» تناسب / «طلوع و غروب خورشید، به منظور بوسیدن خاک درگاه توست» حسن تعلیل

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴ ✓

۳

۲

۱

۵- تعداد تشبیه، در مصراع اولِ بیتی که ایهام تناسب دارد، در کدام گزینه درست آمده است؟

- | | |
|---|---|
| (۱) هم‌چو چنگ ار به کناری ندهی کام دلم | از لب خویش چو نی یک نفسی بنوازم (دو تا) |
| (۲) گر چو فرهادم به تلخی جان برآید باک نیست | بس حکایت‌های شیرین باز می‌ماند ز من (دو تا) |
| (۳) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه | که زیر تیغ توهر دم سری دگر دارد (یکی) |
| (۴) عهد ما با تو نه عهدی که تغیر بپذیرد | بوستانی است که هرگز نزند باد خزان‌ش (یکی) |

«پروانه» ایهام تناسب دارد: ۱- رخصت و اجازه (معنی مورد نظر) ۲- نوعی حشره (که با شمع تناسب دارد) و مصراع اول آن یک تشبیه دارد (کسی چون شمع)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «کام» و «چنگ» ایهام تناسب دارد، اما مصراع اول این بیت یک تشبیه دارد.

گزینه‌ی «۲»: «شیرین» ایهام تناسب دارد، اما مصراع اول این بیت یک تشبیه دارد.

گزینه‌ی «۴»: بیت ایهام تناسب ندارد و مصراع اول تشبیه ندارد.

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۱۶- ترتیب توالی ابیات، به لحاظ داشتن آرایه‌های «استعاره، کنایه، حس آمیزی، جناس و تناقض» کدام است؟

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| الف - ز کویش نسیم صبا بوی برد | به بویش دلم پی بدان کوی برد |
| ب - غریب نیست ز من گر غریب شهر خودم | که کرد عشق تو بیگانه آشنایان را |
| ج - با باد بوده هم‌ره بوی تو در سحرگه | گل‌ها شنیده بویت خود را به باد داده |
| د - تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد | هر که خاک در میخانه به رخساره نرفت |
| ه - خواهی نکند خطش از دایره بیرون | هر حکم که فرماید سر بر خط فرمان باش |

(۱) الف، هـ، ج، ب، د (۲) د، الف، هـ، ج، ب (۳) د، هـ، ج، الف، ب (۴) هـ، ج، ب، الف، د

آرایه‌های ابیات به ترتیب عبارت‌اند از:

استعاره: بیت «د»: «میخانه» استعاره از «خانقاه پیر و مرشد و محل شناخت الهی»
کنایه: بیت «ه»: «از دایره بیرون بودن» کنایه از «خارج از محفل و مجلس بودن»
و «سر بر خط فرمان داشتن» کنایه از «طاعت کردن»

حس آمیزی: بیت «ج»: شنیدن بو

جناس: بیت «الف»: «کوی» و «بوی»

تناقض: بیت «ب»: «غریب بودن در شهر خود» و «بیگانه بودن آشنایان»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۹- آرایه‌های کدام گزینه در منظومه‌ی زیر موجود نیست؟

«در سینه‌ها ز عشق نمی‌جوشد، آن شعله‌ها که خرمن جان سوزد، آن رنج‌ها که درد برانگیزد، و آن دردها که روح گدازد نیست /

آن شوق و اضطراب که شاعر را، چنگی به تار جان بنوازد نیست.»

(۱) استعاره، تشبیه (۲) جناس، مجاز (۳) ایهام، تضاد (۴) مراعات‌نظیر، تشخیص

۹-

(مرتضی منشاری - اردبیل)

تشخیص و استعاره: «شوق و اضطراب چنگی بنوازد» / تشبیه: «خرمن جان» و «تار جان» / جناس: «جان» و «آن» / مجاز: «سینه» مجاز از «دل» / مراعات‌نظیر: «چنگ، تار، نوازد (نواختن)»، «درد، رنج، گدازد (گداختن)»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۱۰- ترتیب ابیات زیر، از لحاظ داشتن آرایه‌های «تشبیه، ایهام، اسلوب معادله، مجاز» کدام است؟

الف) عجب از چشم تو دارم که شبانش تا روز
ب) یاری که رخس قبله‌ی صاحب‌نظران است
ج) دل که آینه‌ی شاهی است غباری دارد
د) دل چو شد افسرده، از جسم گران‌جان پاره‌ای است

خواب می‌گیرد و شهری ز غمت بیدارند
چشم و دل مردم به جمالش نگران است
از خدا می‌طلبم صحبت روشن‌رایی
رنگ برگ خویش باشد میوه‌های خام را

(۱) ج، ب، د، الف (۲) ب، ج، الف، د (۳) ج، ب، الف، د (۴) الف، ج، ب، د

۱۰-

(کلام کاظمی)

ج) تشبیه: دل مانند آئینه است. / ب) ایهام: «نگران» دو معنا دارد: ۱- نگرنده ۲- دلوایس، ناراحت / د): اسلوب معادله: دل افسرده پاره‌ای از جسم گران جان است، همان‌طور که میوه‌ی خام به رنگ برگ درختان درمی‌آید و بخشی از آن می‌شود. / الف) مجاز: «شهر» مجاز از «مردم شهر»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

✓ ۱

۲

۳

۴

۱۱- آرایه‌ی مقابل کدام بیت نادرست است؟

- | | |
|--|--|
| ۱) آستین از شاخ گل دارند دایم بر دهن | غنچه‌ها از شرم شگر خنده‌ی پنهان او (حسن تعلیل) |
| ۲) تا چه باشد مست خاک من که کوه طور را | در فلاخن می‌گذارد شوخی جولان او (استعاره) |
| ۳) روز محشر را به آسانی به شب می‌آورد | هر که یک شب را به روز آورد در هجران او (اغراق) |
| ۴) از خط شب‌رنگ آورده است فرمانی رخس | تا نیچد هیچ دل سر از خط فرمان او (حس آمیزی) |

(مریم شمیرانی)

۱۱-

بیت حس آمیزی ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: غنچه‌ها از شرم خنده‌ی شیرین او آستین بر دهان می‌گیرند: حسن تعلیل برای بسته بودن غنچه
گزینه‌ی «۲»: شوخی جولان که کوه طور را در فلاخن می‌گذارد: استعاره و تشخیص
گزینه‌ی «۳»: هر کس یک شب را در دوری از او سپری کند، روز محشر را به آسانی به شب می‌رساند. (اغراق)

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۱

۲

۳

✓ ۴

۹- آرایه‌های «حس آمیزی، حسن تعلیل، اسلوب معادله، متناقض‌نما، تشبیه» به ترتیب در کدام گزینه آمده‌اند؟

- | | |
|---|--|
| الف) بهر دنیا با خسیسان چرب نرمی مشکل است | بوسه بهر گنج نتوان بر دهان مار داد |
| ب) شب‌نم از فیض سحرخیزی عزیز گلشن است | گل به دامن خنده از شب‌زنده‌داری می‌برد |
| ج) باور که می‌کند که درین بحر چون حباب | سر داده‌ایم و زندگی از سر گرفته‌ایم |
| د) در بهار از باده‌ی گلگون گذشتن مشکل است | واعظ از ما بگذران تا موسم گل بگذرد |
| ه) تا به کی در خواب سنگین روزگرم بگذرد | زندگی در سنگ خارا چون شرارم بگذرد |

۱) ج، د، ب، ه، الف

۲) ه، الف، ب، ج، د

۳) ه، ب، الف، ج، د

۴) ج، ه، د، ب، الف

-۹

(حسن وسکری - ساری)

هـ: «خواب سنگین» حس آمیزی / ب: «عزیز بودن شبنم از سحرخیزی اوست»
حسن تعلیل / الف: «برای مال دنیا تملق خسیسان نمودن سخت است، هم‌چنان‌که
برای به دست آوردن گنج نمی‌توان بر دهان مار بوسه زد» اسلوب معادله / ج: «سر
دادن و زندگی از سر گرفتن» تناقض / د: «بادهی گلگون» تشبیه

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۱۰- یکی از آرایه‌های مقابل کدام بیت نادرست است؟

- | | |
|---|--|
| ۱) سرو خیزد از کنار جوی و هر ساعت مرا | از غم آن سرو قامت جوی خیزد از کنار (تکرار - تشبیه) |
| ۲) روی او نور است و خویش نار و من زان نار و نور | که فروزم هم‌چو نور و گاه سوزم هم‌چو نار (تشبیه - جناس تام) |
| ۳) کفر و دین روشن‌ضمیران را نمی‌سازد دودل | کی شود شبنم دورو گر بر گل رعنا نشست (اسلوب معادله - کنایه) |
| ۴) پاس ادب بدار که طبع غیور عشق | بازی به خون ناحق منصور می‌کند (مجاز - تلمیح) |

(مسن اصغری)

-۱۰

«هم‌چو نور و هم‌چو نار» تشبیه / جناس تام ندارد.

آرایه‌ی تکرار و جناس ناقص دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «کنار» تکرار دارد. / «سرو قامت» تشبیه «قامت» به «سرو»

گزینه‌ی «۳»: «مصرع دوم در حکم مصداقی برای مصرع اول است» اسلوب معادله /

«دودل ساختن» کنایه از «دچار تردید کردن» و «دو رو» کنایه از «فریب‌کار»

گزینه‌ی «۴»: «خون» مجاز از «مرگ» / اشاره به داستان «منصور حلاج» تلمیح

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲✓

۱

۱۱- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

- | | |
|--------------------------------------|--|
| «ترک مست تو به دست از مژه خنجر دارد» | باز این فتنه ندانم که چه در سر دارد» |
| ۱) تشخیص، استعاره، حسن تعلیل، مجاز | ۲) استعاره، جناس، حسن تعلیل، مراعات نظیر |
| ۳) تشبیه، مجاز، جناس، استعاره | ۴) تشخیص، تشبیه، ایهام، جناس |

(مرتضی منشاری - اردبیل)

-۱۱

«مژه مانند خنجر» تشبیه / «سر» مجاز از «فکر و اندیشه» / «مست و دست» و «در و

سر» جناس ناقص / «ترک» استعاره از «رخسار زیبا» / «فتنه» استعاره از «ترک مست»

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۹- آرایه‌های «جناس، اسلوب معادله، حسن تعلیل، استعاره، ایهام» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

- | | |
|--|---|
| الف) ز شوق مجلس توست آن طرب که در زهره است | ب) غم به سر وقت من از روشن دلی‌ها افتاد |
| ج) ساقی غم و جهان خم و دل جام و باده، خون | د) شب ز آه آتشین یک دم نیاسایم چو شمع |
| هـ) بمیر بر سر کویش گرت بود سر کویش | ۱) ج، ب، هـ د، الف |
| ۲) هـ د، الف، ب، ج | ۳) هـ الف، ب، ج، د |
| ۴) ب، ج، د، الف، هـ | |

(مریم شمیرانی)

-۹

هـ) جناس تام: «سر» اول: ابتدا و «سر» دوم: مجاز از «قصد و اندیشه» / د) اسلوب معادله: «شب‌ها از آه آتشین نمی‌توانم بخوابم، همان‌طور که در میان آتش سوزنده نمی‌توان خوابید.» / الف) حسن تعلیل: «آن شادی که در ستاره‌ی زهره است از شوق مجلس توست و کمربندی که بر جوزاست، نشان خدمت‌گزاری توست.» / ب) «گوهر شب‌تاب» استعاره از «دل روشن» / ج) ایهام: «مدام» دو معنا دارد: ۱- شراب ۲- دائماً

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳

۲✓

۱

۱۰- آرایه‌های مقابل همه‌ی ابیات به‌استثنای بیت تماماً درست است.

- | | |
|---------------------------------------|--|
| ۱) در غم شیرین نجوشی لاجرم سرکه فروشی | ۲) چشم بر دور قدح دارم و جان بر کف دست |
| ۳) درآمد دولت شاه‌ی به تاراج | ۴) خال روی مه‌جبینان گر ز مشک و عنبر است |

- آب حیوان را ببستی لاجرم رفته‌است آبت (جناس، حس آمیزی)
به سر خواجه که تا آن ندهی نستانی (ایهام، تضاد)
نهاد آن لعل را بر گوشه‌ی تاج (استعاره، تناسب)
از شب قدر است خال چهره‌ی ماه صیام (واج‌آرایی، استعاره)

(حسن و سحر - ساری)

-۱۰

در گزینه‌ی «۳»، استعاره به کار نرفته است. «لعل» در معنای واقعی خود به کار رفته است. / «لعل و تاج» تناسب دارند.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «غم شیرین» حس آمیزی / جناس تام: «آب» اول: «مایع حیات» و «آب» دوم: «آبرو»

گزینه‌ی «۲»: ایهام: «دور» دو معنا دارد: ۱- چرخش جام شراب ۲- اطراف و دور جام شراب / «ندهی و نستانی» تضاد

گزینه‌ی «۴»: واج‌آرایی: مصوت «ـ» و صامت «ر» / «خال چهره‌ی ماه صیام» استعاره و تشخیص

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴

۳✓

۲

۱

۱۱- در منظومه‌ی زیر چند «تشخیص» وجود دارد؟

«ارغوان می‌رقصد، از عطر گل‌افشانی

نسترن می‌تابد و باغ است نورانی

بید سرسبز و چمن، شاد، مرغان مست مست

ای ابر پر بار زمستانی، گریه کن زین بیش‌تر

زندگی مجموعه‌ای از اشک و لبخند است

خنده‌ی شیرین فروردین

بازتاب گریه‌ی پر بار اسفند است»

۴) هفت

۳) هشت

۲) شش

۱) پنج

(مرتضی منشاری - اردیبل)

-۱۱

تشخیص‌ها عبارت‌اند از:

۱- ارغوان می‌رقصد. ۲- شادبودن چمن ۳- مست بودن مرغان ۴- منادا واقع شدن

ابر (ای ابر) ۵- گریه کردن ابر ۶- خنده‌ی فروردین ۷- گریه‌ی اسفند

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه)

۴) ✓

۳)

۲)

۱)

daneshgah-tehran.ir